

نقش روزنامه نگاری برون مرزی در وقوع انقلاب مشروطه

مسلم عباسی*

ورود به عرصه پژوهش درباره روزنامه نگاری فارسی برون مرزی و تاثیر آن بر وقوع انقلاب مشروطه موضوع پر دامنه ای است. قبل از ورود به این بحث باید به زمینه‌هایی اشاره کرد که باعث پیدایش روزنامه نگاری فارسی برون مرزی شد.

اولین رویارویی ایرانی با مدرنیته و پی بردن به عقب ماندگی خود و پیشرفت غرب به جنگ‌های ایران و روسیه برمی گردد. در این میان اولین طلیعه کنجکاوی در مورد عقب ماندگی ما و پیشرفت غرب در کلام عباس میرزا به زبان آمد. عباس میرزا اولین دولتمرد روشنفکری بود که به تامل در این موضوع پرداخت و اقداماتی انجام داد. "اقداماتی که در زمان عباس میرزا به وجود آمد موجب افزایش عده آگاهان و کسانی که به امور کشوری و بین المللی علاقه‌ای داشتند گردید. و نیز بین روحانیون و تجار و مغازه داران نوعی انتباه پدید آورد. این عده رفته رفته تشنه اطلاعات و اخبار و حوادث داخلی و خارجی شدند و این عوامل هسته اول روزنامه نگاری را در ایران تشکیل داد."^۱

هرچند کلمه روزنامه در زبان فارسی، ریشه‌ای قدیمی دارد. در بسیاری از کتاب‌های



قرون اولیه اسلامی، این کلمه با معرب آن به صورت "روزنامه" دیده می‌شود. از جمله ذکر گردیده صاحب بن عباد کاتب و وزیر مشهور آل بویه (م ۳۸۵ هـ ق) روزنامه‌ای داشته و وقایع روزانه را در آن ثبت می‌کرده است، بنابراین روزنامه در گذشته‌های دور به معنی دفتر یادداشت و گزارش‌های روزانه به کار می‌رفته است.

اما روزنامه به معنی معمول و رایج کنونی، همان کاغذ اخبار (NEWS PAPER) انگلیسی است.

از زمان عباس میرزا تا سلطنت ناصرالدین شاه مقدمات این آشنایی ضروری و تحولات بی‌برگشت طی می‌شد و جامعه ایرانی را دچار نوسانات در تمام حوزه‌ها و نهادها به خصوص حوزه فکری و معرفتی می‌کرد.

«بهار مطبوعات ایران در زمستان ۱۲۱۵ خورشیدی در تهران آغاز شد. با انتشار پیش شماره نشریه مشهور به کاغذ اخبار در دوره پادشاهی محمد شاه قاجار و صدارت ملاعباس ماکویی معروف به حاجی میرزا آقاسی ابروانی در رمضان ۱۲۵۲ هـ ق / بهمن ۱۲۱۵ ش حیات روزنامه نگاری به مفهوم امروزی در ایران بنیاد گرفت»^۲

از اولین نشریه ایران با عنوان‌های "کاغذ اخبار"، "اخبار"، "اخبار و وقایع شهر"، "اخبار شهر"، "نشریه میرزا صالح"، "اولین روزنامه ایرانی"، "روزنامه بی‌نام" یاد می‌شود. بنا بر نوشته خارجیانی که در آن روزگار در ایران بودند این نشریه به مدیریت میرزا صالح شیرازی کازرونی - یا به قولی کازرونی - سه سال انتشار یافت.^۳

اما بنیاد روزنامه نگاری فارسی را در عهد ناصری، امیرکبیر گذارد، امیر با وقوف به روحیات شاه به شکلی که وی به این نهاد اطلاع رسانی حساس نشود کار را به سامان رساند. هدف امیر از انتشار روزنامه "تربیت" و "آگاهی" مردم ایران و مقابله با شایعه سازان بود. امیر به "مبشران روزنامه" توصیه کرد که اطلاعات درست به خوانندگان بدهند تا رضایت آنان جلب شود و به "روزنامه" اعتماد پیدا کنند.^۴

آگاهی یافتن مردم ایران موجب تغییراتی در ساختار فکری و نهادهای اجتماعی ایران می‌شد که از همان ابتدا حساسیت شاه و کسانی که تغییر وضع موجود باعث تضادهایی در ذهن و منافع آن‌ها می‌شد را برانگیخت.

«روزنامه امیر که "وقایع اتفاقیه" نام داشت هفته‌ای یک بار در دسترس عموم قرار



می‌گرفت این روزنامه ارزشمند، حاوی اخبار داخلی و خارجی بود که بدون پرده پوشی مردم را در جریان امور قرار می‌داد. پس از امیرکبیر این روزنامه جنبه فرمایشی به خود گرفت و از شماره ۴۷۱ به بعد به روزنامه "دولت علیه ایران" تغییر نام داد. به فرمان ناصرالدین شاه به جای روزنامه "وقایع اتفاقیه" ۴ روزنامه جدید به نام‌های "روزنامه بدون تصویر"، "روزنامه دولتی مصور"، "روزنامه ملتی" و "روزنامه علمی" انتشار یافت.^۵

پس از آن روزنامه‌های دولتی هم‌چون ایران، ایران سلطانی، وطن، روزنامه نظامی، مریخ، شرف، فرهنگ، اطلاع، مرآت سفر و مشکوة الحضر، اردوی همایون، شرافت، خلاصه الحوادث ناصری، منتشر می‌شد.^۶

اغلب این روزنامه‌ها دولتی بودند و طبیعی است که مطالب آن‌ها در راستای تحکیم موقعیت حکومت قاجارها بود، اما در عین حال، اطلاعات مختصری هم درباره اوضاع و احوال کشورهای جهان، به ویژه پیشرفت‌های اروپاییان در آن‌ها درج می‌شد و در آگاه سازی مردم بسیار موثر بود. در کنار روزنامه‌های دولتی، روزنامه‌های غیر دولتی داخلی هم پیدا شدند «نخستین روزنامه مهم غیر دولتی داخلی، روزنامه "تربیت" بود که امتیاز آن به "محمد حسن خان ذکاء الملک فروغی" تعلق داشت. شماره اول "تربیت" در روز پنج شنبه ۲۹ ماه محرم سال ۱۳۲۵ مطابق با سال جلوس محمد علی شاه به سلطنت انتشار یافت که مجموعاً ۴۳۴ شماره اند. از دیگر روزنامه‌های غیردولتی داخلی می‌توان از روزنامه "ادب" یاد کرد. که "ادیب الملک فراهانی" آن را منتشر می‌کرد. این روزنامه ابتدا در تبریز و سپس در تهران عرضه گردید و آغاز انتشار آن سال ۱۳۱۶ ه. ق بود.»^۷

ویژگی مشترک این روزنامه‌های دولتی و غیر دولتی همان اطلاعاتی بود که درباره اوضاع و احوال کشورهای جهان و به ویژه پیشرفت اروپاییان می‌داد هر چند دربار حساسیت زیادی نشان می‌داد تا مطلبی علیه دولت و شاه گفته نشود اما همین آشنایی‌ها، مقدمات سوالاتی بود که افکار عمومی ایران از وضعیت خود می‌پرسید. ذهن ایرانی به سرعت با مفاهیم و اخبار و اوضاع اروپاییان و پیشرفت آن‌ها آشنا می‌شد در حالی که کوله باری از خاطرات تلخ خود را به دوش می‌کشید. ذهن ایرانی همه تقصیرها را به گردن هیأت حاکمه می‌انداخت. روزنامه‌های دولتی و غیر دولتی داخلی نمی‌توانستند پاسخی به



ذهن کنجکاو و تحول خواه ایرانی باشند. هر چند روزنامه‌های غیر دولتی تأثیرات زیادی در آشنایی افکار عامه با جهان پیشرفته و علوم جدید و حوادث و تحولات داخلی و خارجی داشتند و چشم و گوش مردم را به دنیای نو باز کردند اما گردانندگان در کار خود آزاد نبودند و نمی‌توانستند از حدودی که برایشان مقرر شده گامی فراتر نهند.

« در زمان ناصرالدین شاه بی‌اعتنایی این پادشاه به اصلاحات اساسی و وضع راکد کشور بود که روشنفکران و آزادی‌خواهان ایران را ناراحت کرده بود به طوری که در اواخر سلطنت این پادشاه عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادی‌خواهان ایرانی به کشورهای اروپا و نیز به هندوستان و مصر و عثمانی مهاجرت کردند. زندگی داوطلبانه تبعیدی این عده در سال‌های بعد هسته اصلی روزنامه نگاری تبعیدی ایران را در اروپا و آسیا به وجود آورد و فصل خاصی در تاریخ مطبوعات قبل از مشروطه ایران پدید آورد.»^۸

روزنامه‌هایی که در خارج از کشور به چاپ می‌رسید و انتشار می‌یافت تأثیر شدیدی بر افکار عمومی می‌گذاشت آن‌ها مطالبی را چاپ می‌کردند که جراید داخلی جرأت ابراز آن را نداشتند. چنین روزنامه‌هایی درباره اوضاع ایران آزادانه سخن می‌راندند و خواهان اصلاحات و نوگرایی در ایران بودند. از آن‌جا که این روزنامه‌ها دربار ایران را آماج حملات منتقدانه خود قرار می‌دادند، دولت ناصری محمد حسن خان اعتماد السلطنه را مامور ساخت تا به عنوان رییس دارالطباعة و دارالترجمه دولتی، دایره سانسور مطبوعات را زیر نظر وزارت انطباعات به وجود آورد. تا ضمن کنترل روزنامه‌های داخلی از ورود و انتشار روزنامه‌های منتشر خارج نیز جلوگیری کند. سانسور و کنترل روزنامه‌های داخلی و محدودیت‌های ایجاد شده در اواخر حکومت ناصرالدین شاه چاپ روزنامه‌های فارسی زبان خارج از ایران را سرعت بخشید. در مقابل مطبوعات دولتی، این روزنامه‌های ملی، فارغ از نظارت و دستگاه سانسور دربار از آن سوی مرزها مردم را که قرن‌ها به سکوت در برابر ظلم و استبداد عادت کرده بودند، با افکار انقلابی آشتی می‌دادند.

« در آخرین ربع قرن، قرن ۱۹ روزنامه به‌عنوان یک وسیله ارتباط جمعی، با تغییرات اجتماعی و تحولاتی که در ایران به وجود می‌آمد همراه شد برای اولین بار قدرت روزنامه نگاری دست به دست گردید یعنی از دست دولتیان به مردان جدید انتقال یافت. به عبارت دیگر از مردان حکومت مطلقه به مردان انقلابی و آزادیخواه منتقل گشت و ایران به چنان



مطبوعات جدید و ملی رسید که توسط روشنفکران مرفقی و انقلابی اداره می‌شد. این مطبوعات نو به حکومت قاجار حمله و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران انتقاد کرد. هر چند مطبوعات بیشتر جرأت نشان داد و رهبری تحولات اجتماعی را به دست گرفت حکمرانان قاجار و دولتی‌ها بیشتر عقب نشینی کردند.^۹

مطبوعات ملی خارج از کشور که توسط آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان منتشر می‌شد نه تنها منبع عقاید و مباحث سیاسی و اجتماعی برای مردم و آزادی‌خواهان کشور بود بلکه ماخذ و منبع اصلی خیرهای داخلی و خارجی برای خوانندگان پایتخت و شهرستان‌ها به‌شمار می‌آمد.^{۱۰}

در اواخر قرن ۱۹ تیراژ روزنامه‌های خارج از کشور بالا رفت و تعداد تیراژ روزنامه‌های داخلی که معمولاً دولتی بودند تنزل کرد. به طوری که در سال‌های قبل از مشروطه زمان سلطنت مظفرالدین شاه در مقابل هر روزنامه دولتی داخل ایران، شش روزنامه ملی در خارج ایران منتشر می‌شد و به ایران ارسال می‌گردید.^{۱۱}

اتابک در سال ۱۹۰۰ طی دستوری ورود تمام روزنامه‌های فارسی چاپ خارج را به ایران ممنوع اعلام داشت، دستور او مخصوصاً برای جلوگیری از چند روزنامه انقلابی آن زمان از جمله "حبل‌المتین" چاپ کلکته "ثریا" چاپ مصر و "آزاد" چاپ کلکته بود.^{۱۲}

در بررسی نقش مطبوعات در انقلاب مشروطه باید بیش‌ترین تاثیر گذاری را از سوی روزنامه‌های برون مرزی دانست. این روزنامه‌های چاپ خارج با دغدغه‌های اصلاح ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران بر افکار عمومی تاثیر گذاردند. بررسی روزنامه‌هایی که در خارج از ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه.ق به زبان فارسی انتشار یافته نشان می‌دهد مضامین و اسامی آن‌ها عمدتاً حول وحوش مضامینی چون آزادی و عدالت قرار دارد.

فهرست روزنامه‌هایی که در خارج از ایران تا سال ۱۳۲۹ ه.ق به زبان فارسی انتشار یافته است:

۱- آزاد - میرزا سید حسین کاشانی - کلکته

۲- آزاد - آقا سید آقا شیرازی - دهلی



- ۳- آزادی - حسن نامی، قاسم زاده - اسلامبول
- ۴- اختر - آقا محمد طاهر تبریزی - استانبول
- ۵- اخوت - محمد تقی یزدی - بغداد
- ۶- اصلاح - دکتر خلیل خان - پاریس
- ۷- اصلاح - محمدرضا بوشهری - بمبئی - تهران
- ۸- التودد - شیخ ابونظاره - پاریس
- ۹- العروة الوثقی - سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده - پاریس
- ۱۰- العلم - - - نجف
- ۱۱- الغری - آقا محمد محلاتی - نجف
- ۱۲- پرورش - میرزا علی محمد خان کاشانی (ثریا) - قاهره
- ۱۳- پیامبر باختر - - - واشنگتن
- ۱۴- ترکستان - میرزا حسین خان سپهسالار - عثمانی
- ۱۵- ثریا - سید فرج الله الحسینی و میرزا علی محمد خان کاشانی - قاهره
- ۱۶- جام جمشید - - - بمبئی
- ۱۷- جام جهان نما - - - کلکته
- ۱۸- چهره نما - عبدالمحمد ایرانی (مودب السلطان) - قاهره
- ۱۹- جبل المتین - جلال الدین الحسینی موبد الاسلام - کلکته
- ۲۰- حقایق - میرزا علی محمد خان اویسی - باکو
- ۲۱- حکمت - دکتر میرزا مهدی بیگ تبریزی - قاهره
- ۲۲- خلافت - حاج شیخ حسن تبریزی - لندن
- ۲۳- درة النجف - آقا محمد محلاتی - نجف
- ۲۴- دعوت الاسلام - محمد علی الحسینی دراعی - بمبئی
- ۲۵- سروش - علی اکبر دهخدا - استامبول
- ۲۶- سکندر - - - کلکته
- ۲۷- سلطان الاخبار - - - کلکته
- ۲۸- سید الاخبار - آقا سید آقا شیرازی - حیدر آباد دکن



- ۲۹- شاهسون - حاجی سید عبدالرحیم طالبوف - استامبول
 ۳۰- شمس - سید حسن تبریزی - استامبول
 ۳۱- شیدا - مظفرخان اسمعیل زاده - استامبول
 ۳۲- فکر استقبال - ع.ل. شریعت زاده - استامبول
 ۳۳- قانون - میرزا ملکم خان - لندن، تهران
 ۳۴- قند پارسی - ناقد - علیگره هندوستان
 ۳۵- کمال - میرزا حسین طبیب زاده - قاهره
 ۳۶- کوکب ناصری - آقا میرزا مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی - بمبئی
 ۳۷- لودیانه اخبار - - - کلکته هندوستان
 ۳۸- مجموعه ماورای بحر خزر - فدوراف - عشق آباد
 ۳۹- مدرس فارس - - - بمبئی هندوستان
 ۴۰- مفتاح الظفر - میرزا سید حسن کاشانی - کلکته
 ۴۱- ملک و ملت - موید الاسلام - هندوستان
 ۴۲- نامه وطن - صحاف باشی مهاجر تهرانی - حیدر آباد دکن
 ۴۳- نجم باختر - - - واشنگتن^{۱۳}

پژوهشگران سلف و محققان متقدم متفق القولند که روزنامه نگاری چاپی فارسی، از هند آغاز شد. اما بر سر نقطه شروع آن آراء و عقاید مختلف به دست داده اند.^{۱۴}

هندوستان در تمام طول قرن ۱۹ مهم ترین مرکز انتشار روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی در خارج از ایران بود و اصولاً نخستین روزنامه‌های زبان فارسی قبل از خود ایران در این کشور منتشر شده است و دو مرکز اصلی انتشار این روزنامه‌ها از آغاز شهرهای کلکته و بمبئی بوده است.^{۱۵}

این موضوع دلایلی داشت از جمله پیشرفت صنایع چاپ در کشور هندوستان (مستعمره انگلیس) در قرن ۱۷ و ۱۸ دلیل دوم رواج زبان فارسی در هند بود. دلیل سوم هند مستعمره انگلیس بود و انگلیسی‌ها با چاپ روزنامه و توسعه مطبوعات در هندوستان سعی داشتند ارتباط بین حکام دولتی و طبقه با نفوذ هند را زیاد کنند. روزنامه‌های فارسی در هندوستان



توسط هندی‌ها و برای استفاده ساکنان شهرهای بزرگ آن کشور تهیه می‌شد، ولی چون در این زمان روزنامه ای در ایران چاپ نمی‌شد شماره‌هایی از این نشریات توسط مسافران و سیاحان و ماموران دولتی از طریق بنادر جنوبی و مرزهای شرقی به ایران راه پیدا کرد.^{۱۶} در فاصله سال‌های ۱۸۳۷-۱۸۲۲ م دست کم ۹ روزنامه سراسر فارسی و پنج روزنامه دو یا چند زبانه، که یکی از زبان‌هایشان فارسی بوده در هند منتشر شده است... برخی سال‌های ۱۸۳۴ و ۱۸۳۷ هند دارای شش تا هفت روزنامه فارسی بود. این در حالی است که در هیچ یک از سرزمین‌های اصلی فارسی‌زبانان روزنامه ای انتشار نمی‌یافت...^{۱۷}

به دنبال هندوستان دومین تجربه انتشار مطبوعات فارسی زبان در آغاز دهه سوم قرن ۱۹ م در گرجستان قفقاز صورت گرفت. این روزنامه به نام "یتفلیسکی و دوموستی" بود. چاپ فارسی این روزنامه به مدت ۲ سال ادامه داشت این روزنامه بلافاصله پس از پایان جنگ‌های دوم ایران و روس و امضای عهد نامه تحمیلی ترکمن‌چای تاسیس شده بود. بخشی از این روزنامه حاوی مقالاتی بود که می‌توانست در اندیشه‌های ساکنان این کشور علاقه به اخذ تربیت اروپایی و توسعه صنعت پدید آورد.^{۱۸}

عواملی که بر محتوی و عنوان روزنامه‌های برون مرزی تاثیر داشته اند را می‌توان به ۳ بخش عمده تقسیم کرد :

۱- زمینه و زمانه کشورهای که این روزنامه‌ها در آن چاپ می‌شدند

۲- زمانه و ساختار داخلی و تحولاتی که از آغاز جنگ‌های ایران و روسیه تا وقوع انقلاب مشروطه در حال وقوع بود

۳- نیات و انگیزه‌های مدیران این روزنامه‌ها

بررسی متدولوژیک این سه عامل می‌تواند یکی از منابع عمده و مهم در بررسی انقلاب مشروطیت، کامیابی‌ها و ناکامی‌های آن و پی بردن به عمق تحولات ساختاری و فکری این دوران باشد.

با بررسی کشورهایی که در آن روزنامه‌های فارسی زبان چاپ می‌شدند می‌توان به علل زمینه‌ای آن و اهداف این نشریات پی برد. بیشتر این نشریات در هند، مصر و عثمانی چاپ می‌شدند این‌ها کشورهایی بودند که قبل از ایران جنبش‌های اصلاح طلبانه در آن آغاز شده بود و آزادی‌خواهان و روشنفکران ایرانی که در این کشورها شاهد



رویدادهای مربوط به قانون و مشروطه بودند تجربیات خود را از طریق روزنامه‌ها به ایران انتقال می‌دادند.» در اواخر قرن نوزدهم در خاورمیانه سید جمال اسدآبادی معروف ترین شخصیت اجتماعی بود. سید از مصر، عثمانی و هند به خاطر اشاعه افکار خود و گاه به ناچار با این کشورها سفر می‌کرد غالباً اخراج می‌شد. سید جمال الدین در اروپا با روزنامه نگاران و نویسندگان خاورمیانه و از جمله ایران تماس برقرار کرد و به گروه مهاجران آزادی‌خواه ایرانی پیوست.^{۱۹}

سید جمال الدین اسدآبادی نقش مهمی در پی ریزی روزنامه نگاری تبعیدی داشته است مسیرها و کشورهایی که سید در آن توقف می‌کرد همان کشورهایی بود که روزنامه‌های فارسی برون مرزی در آن فعالیت می‌کردند.

ارتباط میان روزنامه‌های برون مرزی در ایران و ساختار و تحولات درونی ارتباطی دو سویه بوده است بیداری ایرانیان مرهون روشننگری روزنامه‌هایی است که در دوره ای طولانی از پادشاهی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به زبان فارسی از کلکته تا لندن انتشار یافتند و به انگیزه مخالفت با استبداد حاکم پنهان به ایران فرستاده می‌شدند. تاثیر این روزنامه‌ها از تحول در روابط بین اقشار مختلف مردم تا تغییر در نهادها و پیدایش نهادهای جدید و تغییر در اذهان و افکار را در بر می‌گیرد.

« یکی از این روزنامه‌ها اختر بود که چاپ آن از سال ۱۲۹۲ ه. ق در استانبول آغاز شد. مندرجات این روزنامه در بیداری افکار و پیدایش مشروطیت نقش عمده ای داشت. به طوری که « ادوارد براون » آن را تنها جریده قابل مطالعه در دوره تیره و تار استبداد دانسته است که مردم را با اوضاع کشورهای درگیر انقلاب و اصلاحات آشنا می‌ساخت.^{۲۰} به سبب خبرها و مقاله‌های آگاه کننده روزنامه اختر مدت‌ها تجددخواهان را « اختری مذهب » می‌خواندند.^{۲۱}

در ده سال آخر حکومت ناصرالدین شاه ، فکر ایجاد مدارس جدید و اندیشه تحول در شیوه ی آموزش الفبا که از پیش آغاز شده بود، مجال تازه تری یافت. روزنامه‌های حبل المتین، ثریا و اختر که در خارج از ایران منتشر می‌شدند، هر کدام به سهم خود در لزوم ایجاد مدارس به شیوه ی جدید و آموزش و پرورش مدرن و در انتقاد از وضع مدارس ایران، مطالبی می‌نوشتند.^{۲۲}



اولین کسی که دبستانی به وضع تازه در ایران تاسیس کرد میرزا حسن رشديه بود و همين علت اورا پدر معارف مي‌ناميدند و او خود را پير معارف مي‌خواند.^{۲۳} به گفته خود رشديه او با تاثير از روزنامه اختر، به تاسيس دبستان به شيوه نوين و اصلاحاتي در نظام آموزشي دست زد.^{۲۴}

حاجي ميرزا حسن رشديه، طلبه جواني که در تبريز آن زمان اين بخت را داشت که در محضر پدر صاحب دل، با پاره اي از مطالب روزنامه ي اختر آشنا شود، در يکي از شماره‌هاي آن خوانده بود: «بي سوادهاي اروپا در هزاري ده نفر است و... و با سوادهاي ايران در هزاري ده نفر» به شيوه طلبه‌ها مطلب اختر در محفل پدر به بحث گذاشته شد. از حاصل بحث اين نتيجه گرفته شد که بايد عده اي از جوانان تحصيل کرده به اروپا بروند و اصول تعليم آموخته بيايند.^{۲۵}

يکي از نهادهاي ديگري که در کنار روزنامه‌هاي برون مرزي و تحت تاثير آن در ايران به وجود آمد و تاثير چشمگيري در انقلاب مشروطيت داشت انجمن‌هاي سري بود. به دنبال گسترش مطبوعات، انجمن‌هايي که از مدت‌ها قبل توسط اصلاح طلبان برپا شده بود، با نشر روزنامه مختص خود گزارشي از افکار و عملکردهاي خود ارائه مي‌دادند، در مقابل روزنامه‌ها نيز وسيله ترويج و توسعه انجمن‌هاي سري به شمار مي‌رفتند. نقش ديگر روزنامه‌هاي برون مرزي توانايي آنها در ايجاد ارتباط بين روشنفکران ايراني در اروپا و روحانيون بود که راه را براي مبارزه هموار مي‌ساخت. روزنامه‌هاي برون مرزي نقش مهمي در آشنايي روحانيون با مفاهيم جديد و ارتباط آنها با روشنفکران ورود آنها به سياست داشته‌اند که خود مي‌تواند موضوع پژوهش مستقل باشد.

در هندوستان جبل المتين، روزنامه نامدار چاپ کلکته، هنگام صدور فرمان مشروطيت در آغاز سيزدهمين سال انتشار خود بود. و ايرانيان و ديگر پارسي زبانان آن را به نيکي و مصلحت خواهي مي‌شناختند. «اين نشريه در بيروزي جنبش مشروطيت ايران نقش به‌سزايي داشت»^{۲۶}

مدیر روزنامه جبل المتين از اشخاص پرنفوذ و مبارز اين دوران است و اگر ادعا کنيم که اين مرد فداکار بيش از ساير نويسندگان در راه روشن کردن افکار و نشان دادن دستگاہ ظلم و استبداد و هدايت کردن مردم به پيروي از تمدن و آزاد منشي خدمت کرده راه گزاف





مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی



مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی



مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی
مجلس شورای ملی

قانون

قانون
قانون
قانون

قانون
قانون
قانون

رساله

رساله
رساله
رساله

رساله
رساله
رساله

مجلس

مجلس
مجلس
مجلس

مجلس
مجلس
مجلس

سودین

سودین
سودین
سودین

سودین
سودین
سودین

شماره

شماره
شماره
شماره

شماره
شماره
شماره

کمیته

کمیته
کمیته
کمیته

کمیته
کمیته
کمیته

پرویش

پرویش
پرویش
پرویش

پرویش
پرویش
پرویش

روزنامه

روزنامه
روزنامه
روزنامه

روزنامه
روزنامه
روزنامه

کتاب

کتاب
کتاب
کتاب

کتاب
کتاب
کتاب

کتابخانه

کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه

کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه

نقش روزنامه نگاری برون مرزی در وقوع انقلاب مشروطه



نیموده‌ایم. ۲۷ این روزنامه از مشروطه خواهان حمایتی موثر کرد و در مورد قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس به مخالفت برخاست و ناخشنودی مقام‌های هند و بریتانیا را برانگیخت. پیش کسوتی حبل‌المتین و شبکه گسترده آن در داخل و خارج از کشور موجب شد که استبدادیان تنها حبل‌المتین را مورد خشم قرار دهند و پس از پیروزی آزادی خواهان نیز نایب السلطنه و روزنامه‌های ایران تنها از آن روزنامه قدردانی کنند.

حبل‌المتین درباره گرفتاری‌های سیاسی ایران مطالب زیادی می‌نوشت و راهنمایی‌های بسیار می‌کرد به خصوص در پیدایی فکر قانون خواهی و مشروطه طلبی ایرانیان تأثیر داشت. از عواملی که مایه رواج و اشتهار روزنامه حبل‌المتین گردید این بود که " حاج زین العابدین تقی اف " از روشنفکران ثروتمند ایرانی الاصل منطقه قفقاز مبلغ زیادی پول برای مویداالاسلام فرستاد تا او روزنامه را به رایگان برای علما نجف و سایر مناطق بفرستد. به این ترتیب میان علما و روزنامه حبل‌المتین پیوستگی به وجود آمد و علمایی هم چون شیخ حسن ممقانی و فاضل شریانی دو تن از مراجع تقلید به ستایش آن پرداختند. دولت ایران قرائت و نشر حبل‌المتین را ممنوع کرد اما این روزنامه به اشکال مختلف به کشور می‌رسید.

«در اوایل حکومت مظفرالدین شاه، حدوداً ۵-۶ سالی پس از زمانی که آقا نجفی قوچانی در خراسان درس می‌خواند در زنجان عالم دینی چون شیخ ابراهیم زنجانی از ترس تکفیر هم رده‌های خود، به طور محرمانه و در نهایت پرهیز روزنامه ی ثریا و پرورش چاپ مصر یا حبل‌المتین کلکته را می‌خواند چرا که طلاب و ملا اگر می‌فهمیدند تکفیرش می‌کردند به گفته او تکفیر در نزد این بیچارگان نادان مانند آب خوردن است.^{۲۸}

منابعی که با مطالعه‌ی آنها، روحانی منتقد و نسبتاً آگاهی چون شیخ ابراهیم زنجانی به مشروطه خواهی و قانون خواهی کشیده شد. به اقرار خود او عبارت بود از: روزنامه‌ی حبل‌المتین، روزنامه ثریا و پرورش، سیاحت نامه ابراهیم بیگ، کتاب حاجی بابا اصفهانی و پاره‌ای از نوشته‌های طالبوف و رمان‌هایی چون سه تفنگدار، کنت مونت کریستو و چند کتاب در فیزیک و شیمی و تاریخ^{۲۹}

از وقایعی که نقش مهم در تاریخ معاصر ایران داشته است نهضت تنباکو می‌باشد. نهضت تنباکو جرقه مبارزات اجتماعی در ایران و ترک خوردن اقتدار سیاسی استبدادی



در ایران بود.

« اولین مبارزه دسته جمعی مطبوعات ایران، موقع واگذاری انحصارتنباکو و توتون به شرکت انگلیسی رژی بود، ناصرالدین شاه این قرارداد را بی توجه به افکار عمومی و نظر روحانیون در محیطی که مطبوعات در کنترل دولت بود عملی کرد. زمانی که دولت قرارداد را امضاء کرد مطبوعات ملی که در خارج از ایران منتشر می‌شدند متن مذاکرات، اصول و شرایط آن‌را به تفصیل چاپ کردند و به‌سختی به دولت حمله کردند. روزنامه اختر چاپ اسلامبول مذاکرات و متن قرارداد را قبل از آن‌که به‌طور رسمی از طرف دولت ایران اعلام چاپ کرد...نامه سید جمال الدین اسد آبادی به مجتهدان با نفوذ از جمله آیت الله میرزا حسن شیرازی در آن روزنامه‌ها چاپ شد و روزنامه نویسان ایرانی که از حکومت ناصرالدین شاه ناراضی بودند مساله انحصار تنباکو را دستاویز قرارداده و مردم را علیه دربار و شاه بسیج کردند...برای اولین بار مطبوعات خارج از کشور و هم‌چنین چندین روزنامه ملی داخلی خود را وارث این مبارزه شمردند و این موفقیت اعتماد قابل ملاحظه‌ای به آن‌ها داد. یکی از نتایج مبارزه این بود که پس از خاتمه مساله تنباکو تعداد روزنامه‌های ملی در خارج از کشور روبه فزونی گذاشت. به‌طوری‌که در اواخر قرن نوزدهم مجموعاً در حدود ۲۲ روزنامه فارسی توسط آزادی‌خواهان و روشنفکران ایران در کشورهای مختلف از لندن گرفته تا قاهره و هندوستان به چاپ رسید.

مطبوعات خارج از کشور در این دوره چندین خصوصیت عمومی داشتند، اول این‌که مندرجات آن‌ها بیشتر جنبه اجتماعی، سیاسی و تفسیری داشت و بیشتر به اخبار دولتی و داخلی و خارجی می‌پرداختند. دوم این‌که نویسندگان همه آزادی‌خواه و مشروطه طلب و خواستارالغای حکومت استبدادی در ایران بودند. در مرحله سوم هم جراید این دوره و هم نویسندگان آن‌ها بی نهایت تحت تاثیر سیستم اجتماعی و سیاسی اروپا قرار داشتند و نمونه اداری و مملکتی و حکومتی کشورهای اروپایی و خصوصاً انگلستان و بلژیک و فرانسه و سوئیس را برای ایران تشویق می‌کردند. مهمتر از همه، مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیون ایران و روشنفکران ایرانی در اروپا و تحصیل کرده‌های خارجی در ایران پلی ایجاد کنند و گروه مذهبی و روحانی را تا حدودی به طرف خود جلب نمایند.

و میدان را برای مبارزات آینده آماده سازند.^{۳۰}



از تحولات دیگری که باعث افزایش اعتماد به نفس روزنامه‌های برون مرزی شد شکست روسیه از ژاپن و مقاومت بوئرهای کوهنورد جنوب آفریقا در برابر انگلیس بود. «موضوع دخالت روسیه و انگلستان در اوضاع ایران که از عهد آقامحمد خان آغاز و در روزگار ناصرالدین شاه به سرحد کمال خود رسیده بود در زمان مظفرالدین شاه به صورت دخالت مستقیم و مشهود درآمد. این امر طوری در طبقات مختلف مردم کشور سوء اثر بخشید که از شاه، ولیعهد گرفته تا چوب به‌دار مرزنشین و قصاب بازار تهران و پیشوایان و پیروان افکار مذهبی کهنه و نو را به جلب نظر و عنایت و حمایت یکی از این دو عامل شوربختی ایران بر می‌انگیخت.

از ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ ه. ق دو اتفاق بزرگ در آسیا و آفریقا رخ داد که بر لوح و فکر مردم مایوس کشور ما اثر عجیبی بخشید - مقاومت بوئرهای کوهنورد جنوب آفریقا و شکست روسیه از ژاپن - روزنامه‌های ادب و تربیت و اطلاع و حبل‌المتین کلکته در طی نشر اخبار این دو حادثه، طوری عنان قلم را به سوی بیداری مردم توجیه کردند که به اصطلاح این ایام از ابهت و قدرت نامحدود دو غول سیاست و اقتصاد و نظام روس و انگلیس در نظر ایرانی عهد مظفری کاسته شد تا به حقیقت این‌که برتر از هر قدرتی، قدرتی وجود دارد پی برد.^{۳۱}

از تاثیرات مهم دیگر روزنامه‌های قبل از مشروطه به خصوص روزنامه‌های برون مرزی تاثیر آنها بر سبک نگارش و نثر ادبی در ایران بود. سبک نگارش جدید و نثر روان این روزنامه‌ها که به طور متداوم از آغاز پیدایش این روزنامه‌ها تا زمان مشروطه مراحل خود را طی می‌کرد نقش مهمی بر نوع سبک ادبی و نوشتاری پس از مشروطه و رشد ادبیات سیاسی و اجتماعی داشته است.

در نهایت بررسی نیات و انگیزه‌های موسسین این روزنامه‌ها و چگونگی فهم آن‌ها از دنیای جدید می‌تواند موضوع پژوهش جالبی جهت فهم عمیق تر انقلاب مشروطه باشد. این‌که موسسین این روزنامه‌ها از مفاهیمی چون ترقی، آزادی، قانون، عدالت،... چه برداشتی داشتند، دنیای جدید را چگونه درک می‌کردند و چه ارتباطی میان پارادایم فرهنگ خود و اروپایی برقرار می‌کردند و تا چه حد فعالیت‌های آن‌ها بر اساس درک شرایط و تا چه حد بر اساس مسائل شخصی بوده است می‌تواند درک عمیق‌تری از



کامیابی‌ها و ناکامی‌های مشروطه و حوادث پس از آن به دست دهد.

« در سال‌های پایانی حکومت، ناصرالدین شاه کانون مبارزه‌ی علنی علیه حکومت در خارج از ایران رونق تازه‌ای گرفته بود برجسته‌ترین روشنفکران و سیاسیون این دوره یعنی ملکم خان، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمدروحو و بسیاری از روشنفکران و روحانیون مبارز در خارج از ایران، در استانبول، عتبات، هند و لندن، علیه حکومت ناصری در فعالیت بودند.^{۳۲}»

از میان شخصیت‌های تاثیرگذار در انقلاب مشروطه، ملکم خان از شخصیت‌های با نفوذ بوده است. او را بعضاً از مهم‌ترین وقایع ۱۵ ساله آخر سلطنت ناصرالدین شاه می‌دانند که به خطوط اصلی مبانی آرمانی نهضت مشروطه شکل داده است.^{۳۳}

نشریه قانون که زیر نامش اتفاق، عدالت و ترقی آمده، در غره رجب ۱۳۰۷ در لندن منتشر شد. شماره یک قانون که انگیزه گردانندگان این نشریه و هدف وی از انتشار آن را در بردارد در اولین شماره قانون، به بررسی وضعیت ایران پرداخته و تمام مشکلات آن را به نبود قانون ربط داده است.

« یکی از حرف‌های تازه ما اینست که ترقی دنیا پس از هزار قسم امتحان از برای اجرای قوانین بعضی تدابیر مخصوص اختراع کرده که ما اهل ایران تا امروز از معانی و اثر آن به کلی بی‌خبریم.»

« جمع کثیر از خلق ایران به چندین سبب خود را از وطن مالوف بیرون کشیده در ممالک خارج متفرق شده‌اند. در میان مهاجرین متفرقه آن اشخاص با شعور که ترقی خارجه را با اوضاع ایران تطبیق می‌کنند سال‌ها در این فکر بوده‌اند که آیا به چه تدبیر می‌توان به آن بیچارگان که در ایران گرفتار شده‌اند امدادی جزئی برسانند.»

« از ظهور هر روزنامه فارسی باید به اهل ایران یعنی به خودمان تهنیت بگوییم. زیرا که آبادی و ترقی دنیا حاصل افکار صحیحه است و از برای جستجو و انتشار افکار صحیح بهتر از روزنامه اسبابی اختراع نشده است.»

« ما به واسطه این جریده در ایران چیزی نمی‌خواهیم مگر استقرار قانون »

پس از آن که قانون با پست به تهران رسید، شوری در روشنفکران جامعه زیر فشار استبداد افکند. پیدا است تا چه پایه دربار و دیوان که پیشتر نابداری خود را در برابر



وطن و اختر اسلامبول نشان داده بود، در برابر این نشریه گستاختر از پیشینیان بر آشفته شد. از این رو، به زودی ورود خواندن قانون را ممنوع اعلام کردند و عده ای به جرم ارتباط با این روزنامه دستگیر شدند.^{۳۴}

مقصود ملکم از انتشار روزنامه قانون انتقام گرفتن از شاه و امین السلطان بود اما آن روزنامه کاربردی دیگر یافت و برای مردمی که سالها بود از استبداد قاجار به تنگ آمده بودند، پژواک آرزوها و خواسته‌ها شد.^{۳۵}

ملکم‌خان از آن جا که سالها در کار سیاست عمر سپرده و مطالعات سیاسی را با تجربه‌های عملی در آمیخته بود، اصول و طبیعت استبداد را می‌شناخت و دیدگاه‌های روشنفکران روزگار خویش را درباره‌ی قانون و آزادی‌های سیاسی می‌دانست و به روان شناسی مردم آگاه بود. بنابراین مطالب روزنامه را چنان می‌نوشت که لبه‌ی تیز حمله‌هایش متوجه استبداد و نتایج تبعی آن یعنی فساد و زورگویی و بی‌قانونی باشد. از این رو، روی آوردن مردم ایران به آن روزنامه طبیعی بود و اگر بر نهضت مشروطه خواهی تاثیر نهاد وسیله‌ی بیداری شد یا نویسنده‌ی آن "میرزا ملکم‌خان قانونی" لقب گرفت اتفاقی نبود.^{۳۶}

ملکم با انتشار قانون از خود چهره‌ای آزادی‌خواه و هوادار حکومت قانون نشان داد و در پیشگاه مردم ایران تیرته شد و داستان لاتاری و قرارداد رویتر فراموش گشت.^{۳۷} ملکم در دوره‌ای از زندگی‌ش همه نوع تلاشی را برای سقوط سلطنت ناصرالدین شاه به کار می‌برد و با شناختی که از اندیشه‌ی سیاسی شیعی درباره حکومت داشت بر اساس همین تضاد بین ملت و دولت، روحانیون و مسلمانان را بر می‌انگیخت که حکومت عرفی را از میان بردارند و حکومت شرعی را به زعامت میرزا حسن شیرازی بر پا دارند. نوشته‌ها ی او در روزنامه‌ی قانون نمونه بارزی از ریاکاری و فرصت طلبی سیاسی روشنفکران غیر مذهبی به دست می‌دهد. اینان برای در اختیار گرفتن قدرت سیاسی از هر راهی و از هر دری می‌رفتند. بی‌آن‌که به عواقب کارباندیشند. در همین روزنامه‌ی قانون او به صراحت نوشته می‌شد: "رئیس روحانی ملت باید خیلی بالاتر از شاه باشد..." او در یکی از شماره‌های قانون در نقد سلطنت قاجار از همین اختلاف عمیق و کهنه‌ای که بین شریعت و حکومت عرف در تلقی سیاسی شیعه وجود داشت این گونه سخن گفت: "



موافق مذهب شیعه سلطنت حالیه ایران خلاف اصل اسلام و شاه غاصب است.^{۳۸} ملکم خان از طریق همین روزنامه قانون به اندیشه‌ی قانون خواهی در نظام مشروطیت چنان ماهرانه و یاریکارانه جنبه شرعی داد و زمینه‌ای برای "مشروعیت" آن فراهم آورد که چند سال بعد روحانیون "مشروطه خواه" بر اساس همان زمینه، به مشروعیت دادن نظام مشروطیت برخاستند. و برای یک نظام کاملاً غیر مذهبی، زمینه‌ای مذهبی و بیانی شرعی به دست دادند.^{۳۹} ملکم در رساله‌های اولیه خود، در لزوم اخذ شیوه حکمرانی غربی دلایل می‌آورد. اما بعدها، عمدتاً از زمان انتشار قانون به بعد صریحاً از این اصول و مبانی ضرورت اخذ شیوه حکومت غربی، عدول کرد و آن شیوه‌ی تفکر را "جهالت" نامید و راه نجات را در اسلام خلاصه کرد.^{۴۰}

از شخصیت‌های پرنفوذ دیگر اوان مشروطه که روزنامه او از تاثیرگذارترین روزنامه‌های برون مرزی بوده است میرزا علی محمد پرورش مدیر روزنامه پرورش و ثریا است. «روزنامه پرورش در شهر قاهره به زبان فارسی به مدیریت میرزا علی محمد پرورش تاسیس و شماره اول آن در ۱۶ صفحه به قطع وزیری چاپ و در تاریخ جمعه ۱۰ شهر صفر ۱۳۱۸ ه. ق مطابق ۸ ژوئن ۱۹۰۰ مسیحی منتشر شد. روزنامه پرورش مانند ثریا یکی از روزنامه‌های بسیار مفیدی است که تاکنون به زبان فارسی منتشر شده و به سهم خود کمک‌های گران‌بهایی در بیداری ایرانیان و آماده ساختن آن‌ها برای درخواست مشروطیت نموده است. کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران - بخش اول ص ۵۸ - درباره روزنامه پرورش این‌طور می‌نویسد: "سال نخست آن‌را که من دیدم از بهترین روزنامه‌هاست. نویسنده آن میرزا علی محمد خان مرد با غیرت و دانشوری می‌بوده و گفتارهای تکان دهنده و تندی می‌نوشته، در سال ۱۲۸۹ که مظفرالدین شاه بار دوم به سفر اروپا رفت این مرد هم از مصر روانه گردید و در اروپا وزیران و همراهان دیگر شاه را دید و گفتارهای پرمغز نیکی برای روزنامه خود نوشت."

خلاصه آن‌که روزنامه پرورش جزو چند روزنامه فارسی است که کمتر تاکنون نظیر آن‌ها پیدا شده و از لحاظ آشنا ساختن مردم ایران با اوضاع جهان مدیر آن خدمت گران‌بهایی نموده است.^{۴۱}

میرزا علی محمد خان ابتدا در مصر روزنامه ثریا را تاسیس و منتشر نموده و مدتی



با همکاری آقاسید فرج الله تاجر کاشانی مقیم مصر انتشار ثریا ادامه داشته تا این که به علل وجهاتی از شماره ۲۷ سال دوم ثریا میرزا علی محمد خان از همکاری با سید فرج الله دست کشیده و از تمام حقوق خود نسبت به روزنامه ثریا صرف نظر کرده و آنرا به همکار خود سپرده است. و بعد از این اقدام میرزا علی محمد خان اقدام به نشر روزنامه مستقلی به نام پرورش کرده است.^{۴۲}

شماره‌های ثریا که مستقلا تحت نظر سید فرج الله انتشار یافته بهترین گواه بر عدم لیاقت اوست. شاید بر اساس همین ناملایمات بود که مدیر پرورش در جوانی مسلول گردید و پیش از آن که نتیجه زحمات خود بگیرد رخت از این سرای بریست.^{۴۳}

از وقایع زندگی مدیر پرورش مسافرت او از مصر به اروپا و تهیه گزارش برای روزنامه است. مدیر پرورش در پاریس با شاه و مقامات ایرانی دیدار می‌کند و در جواب یکی از وزیران که دلیل مسافرتش را به اروپا می‌پرسد این گونه جواب می‌دهد: «نیکو دانسته ام که خواب زده شرقی جز به بانگ ناقوس مطبوعات از خواب غفلت سربر ندارد و رجال ایرانی جز به تیغ زبان جراید ادب نشوند. اگر دولت به مال همراهی کند من به جان پیش قدمی نمایم و روزنامه‌ای مانند (تایم) یا (فیگارو) در پایتخت ایران احداث کنم و معایب و مفاسد ملک هرروز به واسطه آن به سمع پادشاه رسانم.»^{۴۴} وزیر در پاسخ می‌گوید: «اولین مودی تو من هستم تو می‌خواهی راه مداخل من سرکنی و عیوبات من بنمایی و ملت غافل را از استبداد و ظلم ما بیدار کنی و این خیال همان نردبازی با دختر پریان است و هرگز صورت خارجی پیدا نخواهد کرد. فرض محال چنین روزنامه‌ای در طهران که خود تقریر می‌کنی احداث کردی روز سوم اموال مطبوعه به غارت برند و بنای آن خراب کنند و معلوم نیست سر صاحبش در کجا بازی کند.» میرزا علی محمد در جواب می‌گوید: «همه این‌ها فرمودید درست من هم نیکو می‌دانم لکن خود را فدا می‌کنم تا سد شکسته شود و مردم بدانند از جان گذشتن سهل است.»^{۴۵}

از آن چه میان مدیر پرورش و وزیر گذشته می‌توان به یکی از علل نبود نشریاتی مانند فیگارو، تایمز لندن و اشپیگل در ایران پی برد.

«از مصاحبه و سایر نگارشات پرورش برمی‌آید که وی مردی بی باک و حقیقتا نسبت به وطن خود علاقمند و جان نثار است. مجدالاسلام در شماره ۲۹ سال سوم روزنامه



ندای وطن مورخ ۸ شعبان ۱۳۲۷ ه. ق درباره مدیر پرورش این طور اظهار عقیده می کند : خدمات و زحمات مرحوم علی محمدخان مدیر پرورش به عالم آزادی ایرانیان از چیزهایی است که احدی نمی تواند تردید و انکار نماید مطالبی از نه سال قبل در جریده پرورش می نوشت که ما امروز جرأت انتشار آن گونه مقالات را نداریم و حرف هایی در مسافرت فرنگ به شاه مرحوم و وزراء ملتزم رکاب عرض کرد که مدیر تیمس لندن با آن همه آزادی نمی تواند به وزراء انگلیس بگوید.»^{۴۶}

بررسی دو شخصیت مهم و تاثیرگذار در عرصه روزنامه نگاری برون مرزی - ملکم خان و میرزا علی محمد خان - نشان دهنده طیف متنوع و وسیعی از افرادی است که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و دوران مظفرالدین شاه به فعالیت روزنامه نگاری پرداخته بودند. این طیف وسیع و نوع برداشتی که آن ها از مفاهیمی چون ترقی، عدالت و آزادی داشتند در کنار رابطه ای که با سنت برقرار می کردند و انگیزه و نیت های آن ها پس از پیروزی مشروطه مشکلات زیادی را برای انقلاب مشروطه ایجاد کرد. هم چنان که روزنامه های برون مرزی نقش تعیین کننده و مثبتی در وقوع انقلاب مشروطه داشتند نقش مخرب آن ها را نیز نباید مورد غفلت قرار داد. به نظر می رسد نقش مخرب آن ها را باید در همین نیات و انگیزه و فهم روزنامه نگاران از آزادی خواهیشان جستجو کرد.

اقبال گسترده ای که به چاپ روزنامه شده بود، الزاما همراه با دانش و تجربه کافی در این زمینه نبود، بلکه به قول کسروی همین اندازه که دیده دیگران به چنین کاری برخاسته اند، به هوس افتاده.

این روزنامه ها چنان پا از حد خود فراتر گذاشتند که مجلس نیز به اعتراض درآمد یکی از نمایندگان آن دوره در مجلس در نقد این روزنامه ها چنین گفت: « فواید روزنامه خیلی زیاد است مادامی که به وظایف خود رفتار نمایند و اگر خارج شد البته به همان اندازه ضرر دارد.»^{۴۷} پدید آمدن این روزنامه ها به عنوان پیامد سکوت چندین قرنه در برابر ظلم و استبداد سربرآوردن عقده ای دیرینه بود که نهایتا به ضرر مملکت و مطبوعات انجامید. این روزنامه ها، در ایجاد دودستگی و نفاق بین مشروطه خواهان و تشدید اختلاف میان مجلس و دربار بی تاثیر نبودند. آن ها طی مطالبی تند و صریح علیه شخص شاه فراتر



از رویکردی انتقادی وی را به باد فحش و ناسزا می‌گرفتند. بدین ترتیب کینه دیرینه‌ای در دل شاه و درباریان ریشه دوانید که قطعا با در پیش گرفتن روشی درست و منطقی کار بدان جا نمی‌کشید و جامعه در سایه آرامش و امنیت می‌توانست با سرعت بیشتری به مقاصد خود نائل آید. نیات و انگیزه‌های متفاوتی که در بین آزادی‌خواهان بود و چاپ شدن روزنامه‌های متنوع پس از مشروطه، مشروطه را صحنه زد و خوردها، تهمت‌ها و کینه‌هایی کرد که باعث شد نهضت مشروطه به همه اهداف خود نرسد.

بررسی روشمند این سه عامل در ارتباط با روزنامه‌های برون مرزی: زمینه و زمانه کشورهایی که این روزنامه‌ها در آن چاپ می‌شدند و زمینه، زمانه و ساختار داخلی و تحولاتی که از آغاز جنگ‌های ایران و روسیه تا وقوع انقلاب مشروطه در حال وقوع بود و هم‌چنین نیات و انگیزه‌های مدیران این روزنامه‌ها می‌تواند منبع خوبی جهت بررسی عمیق تر انقلاب مشروطه و تقابل یک صدساله سنت و تجدد، کامیابی‌ها و ناکامی‌های اصلاحات در ایران باشد. ■



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع:

- ۱ - ذاکر حسینی، عبدالرحیم - مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم بهمن ۱۳۷۵ ص ۴۰
- ۲ - قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۸۰ ج ۱ ص ۲۸
- ۳ - همان
- ۴ - همان ص ۳۳
- ۵ - خاتمی، محمد - زمینه‌های خیزش مشروطه، موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا - چاپ اول ص ۷۲
- ۶ - همان صص ۷۳-۷۴
- ۷ - همان ص ۷۵
- ۸ - ذاکر حسینی، عبدالرحیم - مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم بهمن ۱۳۷۵ ص ۴۲
- ۹ - مولانا، حمید، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، {تهران} - دانشکده ارتباطات اجتماعی صص ۹۴-۹۵
- ۱۰ - همان ص ۱۱۱
- ۱۱ - ذاکر حسینی، عبدالرحیم - مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم بهمن ۱۳۷۵ ص ۴۶
- ۱۲ - همان
- ۱۳ - خنمامی زاده، جعفر، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه.ش برداشتی از فهرست ه.ل. رایینو، انتشارات اطلاعات تهران ۱۳۷۲
- ۱۴ - قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۸۰ ج ۱ ص ۵۱۰
- ۱۵ - همان ص ۵۱۴
- ۱۶ - همان ص ۵۱۱
- ۱۷ - پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر فارسی نویسان، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۶۷-۶۸
- ۱۸ - قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۸۰ ج ۱ ص ۵۱۶
- ۱۹ - ذاکر حسینی، عبدالرحیم - مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم بهمن ۱۳۷۵ ص ۴۲



- ۲۰ - صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، کمال چاپ دوم ۱۳۶۴، ص ۶۳
- ۲۱ - قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۸۰ ج ۱، ص ۵۲۶
- ۲۲ - آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۲۶۰
- ۲۳ - ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، انتشارات علمی - تهران، چاپ ۲، ص ۱۱۷
- ۲۴ - کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ ۲۱، ۱۳۸۳، صص ۴۰-۴۱
- ۲۵ - آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۲۶۰
- این مطلب را دکتر ماشاءالله آجودانی از کتاب: «رشدیه، میرزا حسن، خاطرات رشدیه، نسخه خطی ج ۱، ص ۵۰ نقل کرده است.
- ۲۶ - قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۸۰ ج ۱ ص ۵۱۰
- ۲۷ - آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۱۸۵
- ۲۸ - آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۲۱۷
- ۲۹ - همان
- ۳۰ - مولانا، حمید، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، {تهران} - دانشکده ارتباطات اجتماعی صص ۱۰۹-۱۱۰
- ۳۱ - استاد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، موسسه انتشارات بعثت، چاپ دوم تابستان ۱۳۷۵ ص ۹۸
- ۳۲ - آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۲۵۰
- ۳۳ - همان ص ۲۴۹
- ۳۴ - قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران: روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۸۰ ج ۱، صص ۵۵۱-۵۸۰
- ۳۵ - همان ص ۵۸۳
- ۳۶ - همان ص ۵۸۵
- ۳۷ - همان ص ۵۸۷
- ۳۸ - آجودانی، ماشاءالله، مشروطه ایرانی، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۸۳، ص ۱۹۶
- نقل از: روزنامه قانون شماره ۲۹ - روزنامه قانون شماره ۲۶
- رسائل مشروطیت - مدخل - صص ۵۶ و ۵۷



- ۳۹ - همان ص ۲۴۹
- ۴۰ - همان ص ۲۴۹
- ۴۱ - صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، اصفهان، کمال چاپ دوم ۱۳۶۴، ص ۵۹
- ۴۲ - همان ص ۶۰
- ۴۳ - همان ص ۶۲
- ۴۴ - همان ص ۶۴
- ۴۵ - همان
- ۴۶ - همان
- ۴۷ - انصاری لاری، محمد ابراهیم، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران، تهران، سروش، ج اول، ۱۳۷۵ ص



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی